

فهرست مطالب

صفحات	عناوین
۱.....	مقدمه.....
۱.....	بیان مسأله:.....
۲.....	خلاصه تحقیق:.....
۲.....	ارایه مسأله یا پرابلم:.....
۲.....	اهداف تحقیق:.....
۲.....	هدف کلی:.....
۳.....	اهداف جزئی یا فرعی:.....
۳.....	اهمیت و ضرورت تحقیق:.....
۳.....	رویکرد ها:.....
۴.....	سوال ها و فرضیه های تحقیق:.....
۴.....	روش تحقیق:.....
۴.....	پیشینه تحقیق:.....
۴.....	مراجع: از کدام کتاب و مراجع غرض اجرای این تحقیق استفاده می گردد.....
۵.....	زبان چیست؟.....
۵.....	دانش زبانشناسی چیست؟.....

- ۵..... بشر از چه زمانی به فکر مطالعه و بررسی زبان افتاد:
- ۶..... کهن ترین سند های موجود درباره بررسی زبان:
- ۶..... سنت بابل:
- ۶..... سنت هند:
- ۸..... زبان شناسی کهن آریان
- ۱۲ نظریه زبان در یونان باستان
- ۱۵ نظریه زبان در روم
- ۱۸ نتیجه گیری
- ۱۹ منابع و ماخذ

مقدمه

زبان مجموعه ای از نشانه های قرار دادی است که در امتداد یک بعد زمانی برای انتقال پیام استفاده میشود. زبان صوت ثابت ندارد چرا که زبان یک نماد اجتماعی است. واژه گان زبان بیش از هر چیزی می تواند دیگرگونی های اجتماعی را منعکس کند. اما تغیر و تحولات در زبان اتفاقی نیست.

مطالعه علمی زبان را دانش زبانشناسی می گویند. این شاخه از دانش شامل توصیف زبان ها، یافتن ریشه های زبان ها و بررسی و فراگیری زبان است.

بیان مسأله:

جامعه ضرورت به نویسندگان هائی دارند که با داشتن اهداف به تحقیق و تلاش پردازند. و از سویی هم رشد و ترقی علمی، ازدیاد آثار ادبی یک جامعه ارتباط دارد به نویسندگان هائی که در عرصه های دانش تحقیق می کنند، و از ذخیره های گمنام نام اثری را استخراج می کنند. و در معرض مطالعه و استفاده افراد جامعه قرار می دهند که کاری است مفید و ارزشمند.

این رساله که به نظریه زبان در عصر کهن به رشته تحریر درآمده است. و به عنوان جز کار تحقیق پیش نمی باشد.

- بحث نظریه زبان در عصر کهن یک کار تحقیق در رویکرد تازه و نو است و نیز یک کار و پژوهش علمی و ادبی به حساب می رود. از جمله کارها و پژوهش های تحقیقی که صورت گرفته است.

خلاصه تحقیق:

پژوهش های زبانشناسی به معنای متعارف آن تا وقتی که فلسفه و مطالعه تحلیلی زبان پرورده نشد آغاز نگشت کهن ترین سند های موجود درباره بررسی زبان به هزاران سال پیش باز می گردد. زبانشناسی در دوران معمولاً واکنشی به هراس از تغییر زبان بود و چنانکه خواهیم دید ارتباط تنگاتنگ با مذهب و دولت داشت. کهن ترین و سند های موجود درباره زبانشناسی در بابل، زبانشناسی قدیم هند، زبانشناسی در یونان باستان، آریان و روم باستان باستان و اسلامی دیده شده است.

ارایه مسأله یا پرابلم:

- زبان و جایگاه آن در بخش ادبیات؟
- زبان در میان ادبیات چه ارزشی دارد؟
- چه چیزی زیادتیر در بخش زبان مورد کاربرد قرار گرفته است؟

اهداف تحقیق:

- آشنایی با زبان
- دانستن زبانشناسی
- آشنایی با کهن ترین سند های موجود در زبان

هدف کلی:

دریافت و اظهار نمودن زبانشناسی و کهن ترین سند های زبان به رشته تحریر در آورده شده است.

اهداف جزئی یا فرعی:

- شناختاندن با معرفی زبان و زبانشناسی.

- شناختاندن کهن ترین سند های موجود در زبان.

باید گفت که این نوع تحقیق و تحلیل یکی از روش هایی است که از طریق آن می توان به ابعاد

موضوع و خود اثر پردازیم.

اهمیت و ضرورت تحقیق:

تحقیق کردن و سخن زدن در مورد یک اثر ادبی مطرح کاریست مشکل و از آن هم

دشواری تر قرار دادن آثار های ادبی در ترازوی تحقیق است .

بررسی نظریه زبان در عصر کهن در ادبیات فارسی دری کاریست نو و تازه اهمیت و

ارزشی این اثر در اینست که تا هنوز درباره نظریه زبان در عصر کهن کسی تحقیقی را انجام

نداده و این شاید اولین باری باشد. درباره این اثر کاری تحقیقی صورت گرفته و به یک اثر

تحقیقی و علمی ارزش می دهد. با صراحت گفت که از اهمیت ویژه برخوردار و می توان

ادعا نمود که یک اثر خیلی ها با اهمیت است.

رویکرد ها:

مراجع مورد استفاده در این رساله به بخش های: تئوری های زبان شناسی، نظریات ادبی، تاریخ ادبیات

فارسی دری، تاریخ مختصر زبانشناسی، تاریخ زبانشناسی نوشته شده است. و در کل اثر دسته بندی و از

آن استفاده گردیده است که قابل ذکر است.

سوال ها و فرضیه های تحقیق:

- کهن ترین سند های زبان چگونه می باشد؟
- موضوعات و هدف اصلی سند های زبان چه می باشد؟
- مقام و جایگاه زبان در بخش زبان و ادبیات دری.

روش تحقیق:

از این که این اثر بررسی نظریه زبان در عصر کهن می باشد. روش کار بیشتر کتابخانه ای است زیرا نگارنده به موضوعات مهم زیاده تر علاقمندی داشته و دارد.

پیشینه تحقیق:

پرداخت های هنری اثر تاکنون از سوی هیچ نویسنده و محقق صورت نگرفته است، دریافتن ویژه گی های زبان و هنری از کار های نو به حساب می رود. اما آنچه در این اثر علمی مورد بحث است، گویا کلیدی است دروازه تحقیق را به روی آینده گان باز خواهد کرد.

مراجع: از کدام کتاب و مراجع غرض اجرای این تحقیق استفاده می گردد.

منابع و مراجع مورد استفاده در این رساله به بخش های آن: کتاب هایی که در مورد نظریه زبان در عصر کهن تألیف شده است، اثر محمد حسین یمین، کتاب هایی که در مورد زبانشناسی نوشته شده است، و چند کتاب دیگر، از هر چمن سمنی و از هر دهن سخنی را دسته بندی کردم، در ضمیمه وجود دارد.

زبان چیست؟

زبان مجموعه ای از نشانه های قرار دادی است که در امتداد یک بعد زمانی برای انتقال پیام استفاده میشود. زبان صوت ثابت ندارد چرا که زبان یک نماد اجتماعی است. واژه گان زبان بیش از هر چیزی می تواند دیگرگونی های اجتماعی را منعکس کند. اما تغییر و تحولات در زبان اتفاقی نیست. بل: تابع قواعد و قوانین معین است. به همین دلیل یا اینکه زبان از صورت اصلی خود بسیار دور شده است. اما میتوان رابطه آن را با اصل و زبان های دیگر که از آن منشعب شده تشخیص داد.

دانش زبانشناسی چیست؟

مطالعه علمی زبان را دانش زبانشناسی می گویند. این شاخه از دانش شامل توصیف زبان ها، یافتن ریشه های زبان ها و بررسی و فراگیری زبان است.

افزون بر این زبانشناسی به ارتباط میان گویش و چگونگی تغییر در گذر زمان می پردازد شاخه زبانشناسی نیز بررسی مقولات زبان در بافت فرهنگی را مورد توجه قرار می دهد.

بشر از چه زمانی به فکر مطالعه و بررسی زبان افتاد:

توجه به آموزش زبان و مطالعه پیرامون آن از قدیم ترین دوره ها آغاز شد. تاریخ زبانشناسی بشر بیشتر از ۲۵ قرن را در تاریخ بشریت احتوا می کند. در نوشته های فلسفی و آثار مقدس دینی و روایات شفاهی و در فرهنگ عامه یی بیشتر تمدن ها، اشاراتی به آفرینش زبان و ماهیت آن شده است. مردم روزگار قدیم به ندرت کوشیده اند. که از طریق مشاهده و تجربه چیزی درباره پدیده زبان و گفتار بیاموزند.

کهن ترین سند های موجود درباره بررسی زبان:

پژوهش های زبانشناسی به معنای متعارف آن تا وقتیکه فلسفه و مطالعه تحلیلی زبان پرورده نشد آغاز نگشت کهن ترین سند های موجود درباره بررسی زبان به هزاران سال پیش باز می گردد. زبانشناسی در دوران معمولاً واکنشی به هراس از تغییر زبان بود و چنانکه خواهیم دید ارتباط تنگاتنگ با مذهب و دولت داشت. کهن ترین و سند های موجود درباره زبانشناسی در بابل، زبانشناسی قدیم هند، زبانشناسی در یونان باستان، آریان و روم باستان باستان و اسلامی دیده شده است.

سنت بابل:

قدمت کهن ترین مدارک موجود درباره زبانشناسی که به خط میخی رونی لوحه های گلی نوشته شده به چهار هزار سال پیش می رسد در نخستین قرن های هزاره دوم پیش از میلاد روش های دستوری در زبان بابلی پی ریزی شده که تا ۲۵۰۰ سال دوام کرد متن های به جامانده از اوایل این دوران شامل فهرست واژگان زبان سومری و متن های مذهبی و حکومتی است سومری زبان مستقل بود. که کم کم داشت جای خود را به عنوان گویش غالب به زبان اکرمی می داد. با این حال زبان سومری همچنان یک زبان فاخر به شمار می رفت.

سنت هند:

دستور نویسی هندی غایت عملی مطالعه زبان عبارت است از تثبیت ساختمان واژه یی و صوتی زبان سانسکریت. در این دستور یک واحد دستوری به عناصر سازنده آن تجزیه شده و ریشه آن نشان داده میشود؛ مثلاً: واژه (دانشمندی) را در نظر بگیریم و آن را به (دان-اش-مند-ی) تقطیع کنیم. در این گونه تحلیل، واژه ها در مرحله آخر از فعل ها پیدایش می یابند، پسوندهای اولی و دومی جدا می گردند،

پسوندهایی که از فعل، اسم می سازند، پسوندهای اولی و پسوندهایی که از اسم نام ها را ارائه می کنند پسوندهای دومی گفته می شوند. زبان شناسان قدیمی هند به او نیز توجه زیاد داشتند به ویژه اعضای گفتار، اصول تلفظ آوازهای واکه (صدا دار) و همخوان (بی صدا) را به خوبی تصنیف کردند. در زبان شناسی قدیمی هند برای دستور زبان واژه (و یا گرنه) به کار برده می شده که به معنای جدا ساختن و تجزیه است. در این مرحله به فرهنگ نویسی هم توجه زیاد شده است، در این قاموس ها نخست شکل کلمه ها نوشته شده سپس ریشه ها داده شده است، در واقع پانی نی فرهنگ بزرگی تدوین کرد که در آن ریشه اکثر فعل ها ارائه گردیده است.

هیلیوس ساستی ایتالوی قرن ۱۶ میلادی زبان سانسکریت را با زبان ایتالوی مقایسه کرده است، ویلیم جونز در قرن ۱۸ میلادی زبان سانسکریت را با زبان یونانی، لاتینی و ژرمانیک مقایسه کرد، جان لاینز زبان شناس معروف در مقدمه زبان شناسی نظری در مشخصات دستور پانی نی گفته:

۱- در سراسر کتاب، تسلسل فکری و نحوی حفظ است.

۲- کتاب موجز و دور از حشو زواید بوده علایم اختصاصی دارد.

۳- شرح مبسوطی از ساختمان صرفی و دستوری زبان سانسکریت است.

اما از اینکه در گندهارا واژه ر بر چهار قسم: اسم، فعل، پیشینه و ادات جدا می کردند از بعضی جهات با گونه تقسیم یونانیان به ویژه روش تقسیم ارستو که واژه را بر سه نوع: اسم و فعل و حرف ربط منقسم می دانستند، تفاوت دیده می شود.

زبان شناسی کهن آریان

تاریخ زبان شناسی آریانی از عصر اوستا آغاز می گردد، در زبان اوستایی رعایت جزئیات تلفظی زیاد مورد توجه بود، از همین جا است که زبان اوستا از نگاه الفبا کامل ترین زبان گفته شده است و آن ۴۸ حرف داشته که ۱۴ حرف آن واکه (واول) و ۳۴ حرف دیگرش همخوان (کنسونانت) بوده است: در زبان اوستایی صدای /ش/ سه حرف جداگانه داشته و صدای /ث/ و /ذ/ شبیه اصواب عربی با تلفظ ویژه بی ادا می شده است، صدای (ت) نیز در دو حرف نشان داده می شد، همچنان صداهای (ه، ن، خ) دو دو حرف برای تلفظ های متفاوت داشته اند: و صدای خو // یک صوت ترکیبی بوده است.

زبان اوستایی با زبان سانسکریت ویدایی ارتباط نزدیک و ژگانی و صرفی داشته است. این است نمونه

هایی از واژه های مشترک زبان اوستایی و سانسکریت ویدایی:

فارسی - دری	اوستا	سانسکریت ویدایی
تن	Tanu	Tana
گاو	Gau	Gau
کوه	Gari	Giri
باد	Vata	Vata
واژه	Vacah	Vacas
بوم (خاک)	Bumi	bhumi

در قواعد این دو زبان نیز قرابت مشهود است، اینک مثال از صرف فعل حال التزامی bar (بر، بردن)

اوستایی و bhar سانسکریت به همان معنا.

سانسکریت

اوستایی

مفرد

bhar-a-mi bar-a-mi اول شخص

bhar-a-si bar-a-hi دوم شخص

bhar-a-ti bar-a-ti سوم شخص

جمع

bhar-a-masi bar-a-mahi اول شخص

bhar-tha bar-a-Θa دوم شخص

bhar-a-nti bar-a-nti سوم شخص

پارت های بلخی نخستین تبار آریانی اند که پس از برچیدن دولت یونانی باختری و تشکیل سلطنت شان: شکل تحول یافته اوستا موسوم به زبان باختری کهن (بلخی) را زبان رسمی و اداری دولت خود قرار دادند و به دنبال آن آثار بازمانده اوستا را گرد آوری کردند، متون اوستایی را که موبدان زردشتی حفظ داشتند به صورت نوشتاری در آوردند و ترجمه هایی از اوستا را که توسط یونانیان صورت گرفته بود از سراسر دولت خود فراهم آورده و نگهداری کردند.

بی تردید درباره زبان اوستایی و شرح نکات دستوری آن آثاری مفصل به زبان پهلوی اشکانی با استفاده از لغات روزمره پهلوی نوشته شده که تاکنون به دسترس قرار نگرفته و یا از میان رفته است.

در میان کتب بازمانده پهلوی کتاب کوچکی وجود دارد که به قول علی اشرف صادقی تلخیص از یک کتاب مفصل تری در زمینه دستور زبان اوستا بوده است و آن موسوم است به فرهنگ (اویم اوک): این کتاب مشتمل بر هزار واژه اوستایی و معادل آن ها به پهلوی است. در مقدمه این کتاب مطالبی در خصوص دستور زبان اوستایی آمده که فوق العاده حایز اهمیت است: مسائلی که در آن قسمت مورد بحث قرار گرفته عبارت است از: مسأله مذکر و مؤنث، مسأله مفرد، تثنیه و جمع، مسأله پست، متوسط و عالی (ظاهراً در مورد صفت) و همچنان حالات مختلف نحوی مثل: مسأله مبتدا (یعنی از که صادر می شود)، مسأله وسیله و معیت (یعنی با که و به وسیله که انجام می شود)، مسأله ارتباط (یعنی با که ارتباط پیدا می کند) و غیره اصطلاحاتی که برای نامیدن مقولات مذکور به کار رفته از ضمائر و حروف اضافه و پسوند اسم معنا /ih/ ساخته شده است: مثلاً اصطلاح hacisih (از آن بودن) patisih (به وسیله)، afis-ih (به آن بودن) برای بیان حالات مفعول به، متممی و غیره وجود این فرهنگ کوچک هر چند تاریخ آن معلوم نیست اطلاعاتی درباره فرهنگ نویسی آریانی کهن به ما می دهد، در این فرهنگ گاهی چند لغت پهلوی در برابر لغات اوستایی قرار گرفته است.

از اوستا تغییری در عهد ساسانیان صورت گرفته که به نام زند یاد میشود، زند یا گزارش اوستا نخست در زمان اشکانیان به زبان پهلوی اشکانی نوشته شده بود و بعد در عصر ساسانیان به لهجه پهلوی ساسانی در آمد، در تفسیر زند دستور زبان اوستایی رعایت نگردیده است و اما پا زند خود تفسیری است بر زند (تفسیر اوستا)، قرار اشاره مسعودی در موقع تهیه پا زند در آن زبان پهلوی کاملاً رعایت نشده بلکه زبان مذکور تا حدی زیر نفوذ زبان پارتی واقع شده است، در عصر حاضر فرهنگ های (اوستا-پهلوی)، (اریک-پهلوی)، (سغدی-پهلوی) موجود است، در قرن ۱۴ میلادی دانشمند فارسی زبان دستور هوشنگ

جی جاماسپ، جی آسا فرهنگ (قدیم پهلوی-زند) را نوشت، این فرهنگ تحت عنوان (An odd pahlave pazund glossary) در ۱۸۷۰ در بمبئی چاپ شده است و در ۱۹۰۰ میلادی توسط دانشمند استریایی ریهل چاپ گردید، فرهنگ مذکور اصلاً دارای ۲۷ باب می باشد و مقوله های ریشه مفرد، جمع، ضمیر، قید، زمانه در آن ارائه شده است و به صورت الفبایی ترتیب گردیده نمونه:

اوستا	پهلوی	فارسی-دری
hizva	huzvan	زبان
dantano	dandan	دندان

آنگاه که نسخ خطی نایاب شده است، چون مردم به لغات آن آشنا بودند بنابر آن واژه های کهن پهلوی را به زبان های فارسی دری و هندی ترجمه کرده اند از جمله می توان فرهنگ فارسی (برهان قاطع) را نام برد.

گذشته از فرهنگ ها دانشمند سترک ناصر خسرو بلخی (۱۳۹۴-۴۸۱ هجری) پیرامون زبان شناسی در کتاب زادالمسافرین خویش به بحث مفصل و گسترده فلسفی پرداخته درباره زبان گفتاری (نطق) و زبان نوشتاری (کتابت) سخن ها گفته است، وی همچنان در جامع الحکمتین در موضوع نطق بحث مفصلی دارد. همچنان آثار ارزشمندی در زبان شناسی توسط دانشور بزرگ این سینای بلخی (۳۷۰-۴۲۸ هجری) نوشته شده که یکی از آن عبارت است از (مخارج الحروف) این کتاب چند بار به چاپ رسیده است، در این کتاب آوازها و اندام های گفتاری به وجه نیکو توضیح گردیده است.

نظریه زبان در یونان باستان

افلاتون از پیشگامان نظریه پرداز در یونان باستان بود، او شاگرد فیلسوفی آتنی به نام کراتیلوس بود، کراتیلوس اصول فلسفه هراکلیتوس (۵۳۵-۴۸۰ ق.م) را در آتن به افلاتون جوان تعلیم داد. هراکلیتوس مدعی بود که جهان دایم در تغییر است او می گفت که همه چیز در میلان است و در برابر آن دانشواژه نظام پانته رئی /panta rhei/ به کار رفته است، هراکلیتوس حدس می زد که نظام این چرخه تغییر طبیعت از حیطة مشاهده مستقیم بیرون است، این نظام در یونانی لوگوس logos، در لاتینی راتیو /ratio/ به معنای نظم کیهانی hamony در ذات جهان منتشر است.

همین تعلیمات کراتیلوس زمینه ساز فلسفه افلاتون در باب جهان مثل /ideas/ شد، فلسفه یی که ثبات اشیا را در مقابل تغییر مستمر جهان مادی تبیین می کند: همین تعالیم مبنای آرای افلاتون در باب زبان نیز مسلماً هستی پیدا می کند، این نظر در رساله کراتیلوس پیش نهاد شده است در این رساله چنین فرض شده است که هر کلمه صورتی زیربنایی دارد که معنای آن کلمه را به شیوه یی منظم و شفاف بیان می کند: بازسازی صورت زیر بنایی و اصلی واژه و بازیابی معنای آن به یونانی اتیمو مولوگیا /etymologia/ می گفتند که با دانشواژه ریشه شناسی /etymology/ برابر است.

سقراط با مطرح شدن رساله کراتیلوس نظر افلاتون را که متأثر از نظریه کراتیلوس است پذیرا می شود، نظریه یی که واژه ها را طبیعت تعیین می کند نه قرار دارد، در توضیح این مدعا سقراط و کراتیلوس سیاهه بلند بالایی را از واژه ها و نام ها به دست می دهند، از جمله یکی هم آنکه کلمه اسپ را باید همچون یک خاصیت طبیعی حیوانی در نظر گرفت که بدین نام خوانده می شود، درست همان طور که شکل و اندازه و ریخت حیوان مزبور نیز جزء خواص طبیعی آن به شمار می آید.

هرموگنس از نظریه مخالف افلاتون دفاع می کند و بعد ارستو نیز از مدافعان سر سخت نظریه افلاتون گردید، در نظر او صورت های کلمه ها دلخواهی /arbitrary/ و قرار دادی /conventional/ هستند و هیچ توجیه ذاتی برای صورت های کلمه وجود ندارد. سقراط بعداً در بینابین این دو نظر می ایستد و می گوید که صورت های کلمه ها را باید تا حد ممکن به مثابه واقعیات غیر دلخواهی در نظر گرفت، گرچه باید جا برای دلخواهی و قرار دادی بودن را نیز باز گذاشت.

یونانیان که گویا خودشان را قبایل متمدن و زبان خود را زبان مردمان با فرهنگ می انگاشتند با این تلقیات مردم غیر یونانی را (بربرها) و زبان شان را زبان (بربری) می گفتند.

بنابر آن یونانیان تنها زبان یونانی را آنهم در حواشی آنچه که خود علم منطق می نامیدند پژوهش می کردند، البته روش پژوهش زبان که دانشمندان یونان باستان در پیش گرفته بودند از مناهج استقرایی و تجربی به دور و بر اساس های مجرد ذهنی و قیاسی استوار بود.

طوری که گفته شد افلاتون زبان و قواعد آن را بر اساس نظریه (مُثَل) توضیح کرده است. وی در کتاب کراتیلوس گفته است که میان معنا و ذات (موضوع-*signifie*) یک شی و صورت لفظی (محمول *significant*) همان یک شی، مناسبت ضروری و ارتباط بدیهی وجود دارد: یعنی هر لفظی که برای چیزی یا حادثه یی به کار می رود همان لفظ نام طبیعی و ضروری همان چیز و حادثه می باشد، به عبارت دیگر عقل و ذهن آدمی نام اصلی و طبیعی اشیا را بر اساس بداهت و ضرورت، انتزاع و استعمال می کند. افلاتون نخستین کسی است که در سوفسط بعضی از اصطلاحات و تعریفات مهم دستور زبان را به کار برده است. وی در اینجا نوشته است: لفظی که مبین عملی می باشد فعل *Rhema-* و واژه هایی که اجرا کننده عملی باشد اسم *onoma-* است و اما پس از افلاتون نظر شاگردش ارستو در باب زبان نسبت

به آرای او مهم تر و ارزشمندتر به نظر می آید: فشرده نظر ارستو در باب زبان این است که عالم خارجی چنانچه که طبیعت به ما وانمود می سازد به اثر تأثیری که به حواس ما وارد می کند درک می شود و الفاظ رمزهایی اند که بر مظاهر عالم خارجی اطلاق می گردد و این رمزها، خیال ها یا (صور ذهنی) راستین و واقعی نیستند.

بنابر آن ارستو در برابر نظر افلاتون زبان را حادثه اجتماعی و اتفاقی می دانست: گذشته از این ارستو نخستین مفکری است که تصنیف و دسته بندی الفاظ را گسترش داد، وی اجزای سخن را به سه دسته اسم onoma، فعل Rhema- و رابطه syndessmoi تقسیم نمود، این تصنیف ارستو بعداً به نام اجزای کلام معروف و معمول گردید.

البته ارستو همچنان کلام را به مسندالیه و مسند تجزیه کرده بود، بعدها اقوام دیگری: مثلاً سریانی ها که قبلاً آثار حکمای یونان باستان را به زبان خود برگردانیده بودند به تقلید از آرای یونانیان باستان به دستور نویسی در زبان خود پرداختند: بدین گونه در زبان عربی ابوالاسود دوئیلی سده دوم هجری (قرن ۷ میلادی) که زبان سریانی را می دانست برای نخستین بار از اسم، فعل، حرف، مسندالیه و مسند نام برد و بالنوبه به تقلید از ابوالاسود دوئیلی در قدیم ترین دستور زبان عربی (الکتاب) سیبویه واژه ها را به اسم، فعل و حرف تقسیم نموده، کلام را به مسندالیه و مسند تجزیه کرد، سیبویه از زبان شناسان نامور در مکتب بصره است، وی خراسانی و شاگرد خلیل بن احمد بود، سیبویه گفتار را به عنوان فعالیت اجتماعی در نظر داشته است، گفتار در نظر او نوعی رفتار پنداشته می شد، او می گفت در پایان هر گفتاری که از نظر ساخت درست است می توان سکوت کرد و امروز در نگارش این خود جایگاه نقطه است.

سیبویه مانند زلیک هریس نیز این نکته را تأیید کرده است، به باور آنان اسم و فعل ویژگی ساختی را بیان می‌دارد، آنکه ثابت باشد و تغییر ناپذیر نیست حرف است، از همین جا است که در آغاز دانشمندان دستور زبان فارسی-دری از قبیل ندیم، قاری، بیتاب و امثال آنان به تقلید از عرب کلمه را به سه قسم: اسم، فعل و حرف جدا نموده جمله را به مسندالیه و مسند تجزیه کرده اند و آثار آنان در زمینه، دستورهای کلاسیک گفته شده بعد تر دستورهای معاصر بر اساس معیارهای زبان شناسی نوین تهیه و تدوین گردیده است.

نظریات ارستو در باب زبان و تحقیقات زبان یونانی در دستور نویسی غرب تا (۶۰-۷۰ سال) قبل و در دستور نویسی عرب و فارسی - دری بعضاً تا کنون ادامه دارد.

نظریات متناقض فلسفیان ارستو و افلاتون منجر به مناقشات شدید در بین دستور نویسان بعدی گردید، چنانچه گروهی از دانشمندان به پیروی از افلاتون زبان را پدیده طبیعی و گروهی دیگر به تبعیت از ارستو آن را حادثه اجتماعی دانستند که نخستین را طبیعیون (طبیعت گرا Analogistic) و دومی را اتفاقیون (اتفاقی گرا Anomolisits) گفته اند: شرح این دو گروه بعداً می‌آید.

نظریه زبان در روم

در تشریح قواعد دستوری زبان لاتینی دستور نویسان رومی از اصول و روش دستور نویسی یونان پیروی کردند، آنان در واقع قواعد دستوری را از آثار یونانیان به زبان خود ترجمه می‌کردند و به جای امثله یونانی مثال‌های لاتینی را می‌آوردند.

دستور زبان لاتینی مانند دستور زبان یونانی از سه بخش فلسفه (تعریفات عمومی و منطقی، انواه واژه ها، نقد ادبی و بلاغت) متشکل بود، دستور نویسان رومی نیز عیناً مانند یونانیان مناظره های طبیعیون و اتفایون را جاری نگه می داشته اند در زمینه ریشه شناسی هم رومی ها از یونانیان تقلید کرده، به خیالبافی ها در مورد پرداختند: به نظر زبان شناسان رومی اشیا بر اساس صفات مخالف شان هم نامگذاری شده است: به حیث مثال بلوم (bellum) به معنای جنگ از کلمه بلیوس (bellus) که صفت و به معنای زیبا می باشد آمده است و جنگ را از آن لحاظ bellum خوانده اند که نازیبا است، همچنان سنگ /Lithos/ از عبارت Lenthoeim به معنای تند تک و تیز رفتار مشتق شده است، پس سنگ را بنابر تعریض و کنایه لیتوس یعنی تیز تک و دونده نامیده اند.

پژوهش ها و دریافت های رومیان و یونانیان در رابطه به زبان شناسی در قرون وسطا نیز مورد تقلید و استفاده قرار گرفته است.

دستور های رومی ها مانند دستور تراکس مشتمل بر سه فصل بود، دستور نگاران آنگاه در فصل نخست در باب تعریف و موضوع دستور بحث می کردند، در تعریف دستور می گفتند: «فن درست گفتن و فهم شاعر شاعران»، در همین فصل اول از حروف و هجا سخن می گفتند: در فصل دوم انواع کلمه را مطرح بحث قرار می دادند و به صورت فشرده یا به تفصیل اعراب آن ها را به اقتضای زمانه، جنس، عدد، حالت و امثال آن شرح می کردند: در فصل سوم در باب حسن و قبح، اسلوب بیان، اغلاط مشهور، استعمال واژه های بازاری و مبتدل، تشبیه، استعاره و کنایه بحث می کردند.

در جمله چنین دستور ها دو کتاب عمده در خور یاد آوری است که یکی را ابلوس دوناتوس (۵۳۰) میلادی در زبان لاتینی به نام فن صغیر و دیگری را پریسکیانوس (قرن ۶ میلادی) به عنوان مقولات گرامری

به زبان لاتینی نوشته اند. این دو اثر در سراسر دوره قرون وسطا به حیث متون مستند و معتبر دستور زبان لاتینی توسط شاگردان در این زبان خوانده می شد.

یونانیان به ویژه دستور نویسان اسکندریه زبان اساسی و اصیل، زبان نگارش را می دانستند و بنابر آن زبان یونانی کهن: مثلاً ایلیاد و اودیسی هومر را که به صورت کتبی در دست بود، شرح می نمودند و چون اجزای اساسی تشکیل دهنده کلمات مکتوب حروف الفبا هستند تراکس در آغاز کتابش از حروف بحث می کند، ولی پریسکیانوس به فهم اینکه زبان اصلاً از اصوات تشکیل می گردد به جای حروف از آواها بحث می کند که درست تر است، پریسکیانوس کشف های دیگری نیز در زمینه کرده است و آن عبارت از بحث مستقل در باب صفات و اسمای صوت است، البته به پیروی از وی دستور نویسان اروپایی همواره این دو نوع کلمه را جداگانه مورد بحث قرار داده اند.

البته کمبودهایی هم در زبان شناسی یونان و روم وجود داشته و آن اینکه:

۱- اصطلاحات زبان شناسی مختص به خود آنان بود: Rhema، اسم onoma،

حرف syndesmoi، حالت potosym.

۲- Grammar از Gramma یعنی رسم کردن و جمع کلمه gramma یعنی

grammata به معنای حروف گرفته شده است.

۳- نوشته های مولفان سده ۴-۵ ق.م از طرف مکتب اسکندریه ارجح پنداشته شده است.

۴- تنها زبان یونان و روم زبان جهانی پنداشته شد.

نتیجه گیری

زبان مجموعه ای از نشانه های قرار دادی است که در امتداد یک بعد زمانی برای انتقال پیام استفاده میشود. زبان صوت ثابت ندارد چرا که زبان یک نماد اجتماعی است. واژه گان زبان بیش از هر چیزی می تواند دیگرگونی های اجتماعی را منعکس کند.

افزون بر این زبانشناسی به ارتباط میان گویش و چگونگی تغییر در گذر زمان می پردازد شاخه زبانشناسی نیز بررسی مقولات زبان در بافت فرهنگی را مورد توجه قرار می دهد.

پژوهش های زبانشناسی به معنای متعارف آن تا وقتیکه فلسفه و مطالعه تحلیلی زبان پرورده نشد آغاز نگشت کهن ترین سند های موجود درباره بررسی زبان به هزاران سال پیش باز می گردد.

زبانشناسی در دوران معمولاً واکنشی به هراس از تغییر زبان بود و چنانکه خواهیم دید ارتباط تنگاتنگ با مذهب و دولت داشت. کهن ترین و سند های موجود درباره زبانشناسی در بابل، زبانشناسی قدیم هند، زبانشناسی در یونان باستان، آریان و روم باستان باستان و اسلامی دیده شده است.

منابع و ماخذ

- ۱- یمین، محمد حسین. (۱۳۹۴). تئوری های زبان شناسی. دارالمان: انتشارات سعید.
- ۲- راسخ، محمد صالح. (۱۳۹۴). نظریات ادبی. مزارشریف: مطبعه ثقافت. چ اول، ج اول.
- ۳- جاوید، عبدالاحمد. (۱۳۹۱). تاریخ ادبیات فارسی دری. کابل: انتشارات سعید. چ اول.
- ۴- ار. اچ. روینز. (۱۳۱۹). تاریخ مختصر زبانشناسی. ترجمه (علی محمد حق شناس). ایران: کتاب خانه ملی.
- ۵- سورن، پیتر آ. ام. (۱۹۳۴). تاریخ زبانشناسی. ترجمه (علی محمد حق شناس). ایران: کتاب خانه ملی.
- ۶- سایت انترنتی گوگل www.google.com